



فرهنگ توسعه یا توسعه فرهنگی؟

مینا محمدخان
کارشناس علوم اجتماعی

مقدمه

از آنجا که ایران کشوری آسیایی، جهان سومی و در حال توسعه می‌باشد و تا رسیدن به مرحله‌ی کشوری توسعه یافته راهی بس دراز در پیش رو دارد. بر آن شدم تا مقاله‌ای هر چند مختصر، نگاشته و در چند جمله به بررسی و تعریف فرهنگ، توسعه و بررسی پیشینه‌ی توسعه‌ی فرهنگی در ایران طی ادوار مختلف تاریخی و در نهایت ضرورت ایجاد فرهنگ توسعه به جای توسعه‌ی فرهنگی بپردازم.

گمی روشه^۱ فرهنگ را عبارت می‌داند از مجموعه‌ای به هم پیوسته از اندیشه‌ها و احساسات و اعمال کم و بیش صریح که به وسیله‌ی اکثریت افراد یک گروه پذیرفته شده است و

برای اینکه این افراد، گروهی

معین و مشخص را تشکیل

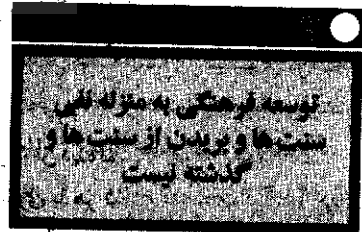
دهند لازم است که آن

مجموعه‌ی به هم پیوسته به

نحوی در عین حال عینی و

سمبلیک مراعات گردد. لوی^۲

می‌گوید: فرهنگ عبارت است از اعتقادات، رسوم، رفتار و فنون، سیستم تغذیه و بالاخره مجموعه‌ای از آنچه که فرد از جامعه‌ی خود فرا می‌گیرد. یعنی



مجموعه‌ای که نتیجه‌ی فعالیت‌ها و ابداعات شخصی او نیست بلکه به عنوان میراث گذشتگان از راه فراگیری مستقیم و غیرمستقیم به او منتقل می‌شود(۱). [روح‌الامینی، ۱۳۷۲، ص ۱۸.]

ولی "مالینوفسکی" از لحاظ میراث اجتماعی یا فرهنگ آن را مجموعه‌ای از مصنوعات، کالاها، فرآیندهای فنی، اندیشه‌ها، ارزش‌ها، عادات و ... موروثی می‌داند که واقعیتی همگانی است و باید آن را به گونه‌ای که هست بررسی کرد (۲). [تامپسون، ۱۳۷۷، ص ۲۳]

اما در مقایسه با تعاریف فوق، کاملترین تعریف را (ادوارد تایلور) از فرهنگ داشته است. "تایلور" فرهنگ را کلیت پیچیده‌ای از اعتقادات، شناخت، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب و رسوم و سایر توانایی‌ها و عادت‌هایی را که انسان به عنوان عضوی از اجتماع فرا می‌گیرد. می‌داند وضعیت فرهنگ در میان جوامع گوناگون بشری تا آنجا که بتوان بر پایه‌ی اصولی کلی به بررسی آن پرداخت، موضوعی است که می‌تواند در خور بررسی قوانین و اندیشگی کارکردی انسان باشد. (۳) [همان منبع، ص ۲۲] در همین حال "مایکل تودارو" معتقد است که توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه‌ی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. گوناومیردال^۳ در تعریف توسعه می‌گوید توسعه یعنی فرآیند دور شدن از توسعه‌نیافتگی یعنی رهایی از جنگال فقر، توسعه در معنای جامع آن مشتمل

مردم در ترکیب اسلام با فرهنگ ایرانی شکل گرفته و در عصر صفویه متجانس تر شد. یعنی نظام اقتصادی نیمه فئودالی در کنار نظام استبدادی پدر سالارانه یکدیگر را تکمیل کردند.

- دوره دوم به ۳ بخش تقسیم می شود که عبارتند از:

۱- دوره قاجار و قبل از آن. یعنی شروع نوسازی که در این دوره فرهنگ سنتی بر شهر و روستا حاکم بوده و جوامع تحت سلطه با شیوه های متعالی تر و مذهبی تر فهم واقعیت مواجه بودند.

۲- اواخر دوره ی قاجار که در آن تجدد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کشور آغاز شد. (ورود عناصر فرهنگ غربی در مجموعه نظام فرهنگی و اجتماعی)

۳- از سال ۱۳۲۰ تا انقلاب اسلامی: از هم پاشیده شدن شیرازه نظام فرهنگی قبلی و شکل گیری مجموعه ی فرهنگی تازه با محورهای فرهنگی متفاوت.

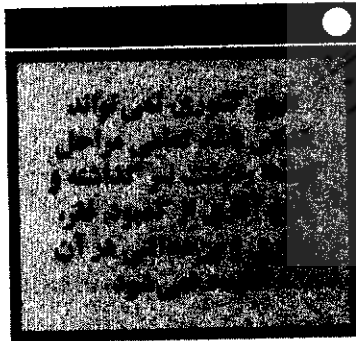
- دوره سوم که از بهمن ۱۳۵۷ آغاز می شود که آن را هم باید به ۳ دوره تقسیم کرد:

۱- از بهمن ۱۳۵۷ تا شهریور ۱۳۵۹ (کوشش در جهت تفکیک نظام ادغام شده در نظام بین المللی سرمایه داری غربی و ایجاد نظامی مستقل و جانشین کردن نظام فرهنگ اسلامی به جای فرهنگ غربی.)

۲- دوره هشت ساله جنگ تحمیلی (حاکمیت نظام سرمایه داری در جهان و مانع شدن از حرکت ایران به سوی استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ...)

۳- پس از جنگ تحمیلی

با توجه به تاریخی که از مفهوم توسعه ارائه شد و نظر اندیشمندان در تاریفشان از توسعه، که از بین بردن فقر و نابرابری و تعمیر اساسی در ساختار اجتماعی، گرایشها و نهادها تأکید داشته اند. باید به یک



بررسی اجمالی در ایران بپردازیم و وضعیت فقر و نابرابری و ... را به بحث بنشینیم تا روشن شود که در کجای راه توسعه هستیم. طبیعتاً هیچ کشوری نمی تواند مدعی باشد که تمامی مراحل توسعه را پشت سر گذاشته و هیچ آثاری

از کمبود فقر، بیکاری و بی عدالتی در آن دیده نمی شود. ایران نیز از این جنبه مستثنی نبوده و نیست. هر کشوری با هر شیوه حکومت داری خصوصاً کشورهای آسیایی، جهان سوم و در حال توسعه با رقمی قابل توجه از نرخ بیکاری، فقر و نابرابری روبرو هستند.

با توجه به شاخص های برآورد حجم فقر و نابرابری که عبارتند از:

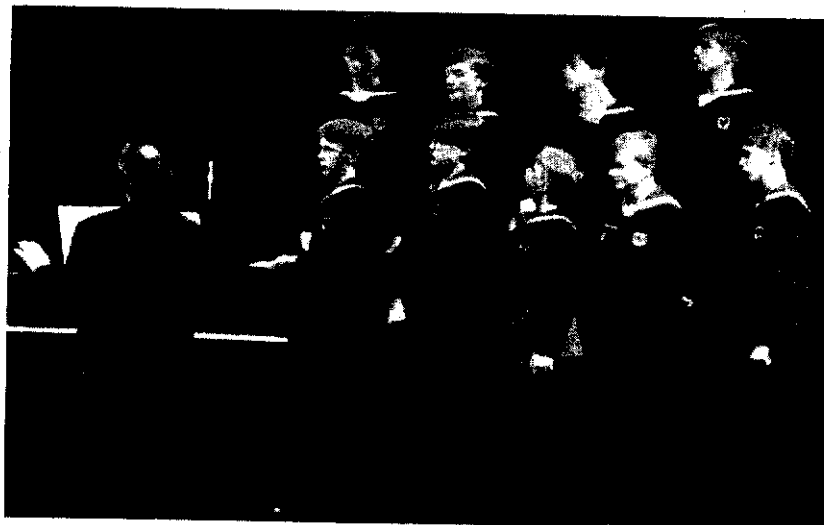


بر فرآیند پیچیده ای است که رشد کمی و کیفی تولیدات و خدمات و تحول کیفیت زندگی، بافت اجتماعی جامعه، تعدیل درآمد، زدودن فقر و محرومیت و بیکاری، تأمین رفاه همگانی، رشد علمی و تکنولوژی درون زا در یک جامعه ی معین را در بر می گیرد. توسعه به مفهوم علمی آن عبارت است از مرگ تدریجی نظام کهن و تولد و رشد تدریجی نظام تازه از زندگی. (۴) [ازکیا، ۱۳۷۷، ص ۸ و ۹]

در این رابطه "میسرا" صاحب نظر هندی در تعریف توسعه بر ابعاد فرهنگی تأکید می کند. به نظر او توسعه از دستاوردهای بشر و پدیده ای است با ابعاد مختلف. هدف از توسعه، ایجاد زندگی پرثمری است که توسط فرهنگ تعریف می شود به این ترتیب می توان گفت: توسعه دستیابی فزاینده ی انسان به ارزشهای فرهنگی خود است. (۵) [همان منبع، ص ۸]

سخن گفتن از توسعه ی فرهنگی در ایران در حالی که کمترین آگاهی از مفهوم توسعه، فرهنگ، فرهنگ توسعه و توسعه ی فرهنگی نداریم گامی بزرگ و اندیشه ای خام است که هنوز قدرت هضم آن را پیدا نکرده ایم. یکی از وظایف فرهنگی که ما برای نسل ها قائل هستیم این است که جایگاه تاریخی خودمان را بشناسیم و براساس آن به بازسازی و نوسازی فرهنگ خود و به عبارتی، تجزیه و تحلیل اندوخته های فرهنگی مان بپردازیم. با نگاهی به تاریخ گذشته ی ایران می توان آن را به سه دوره زیر تقسیم کرد.

- دوره اول: این دوره بعد از برخورد با اندیشه اسلام و با همت حکام و



شرایط حال و آینده می‌باشد. از این مسیر است که تواناییها و استعدادهای بالقوه انسانها شکوفا می‌شود و فرهنگ توسعه کم کم معنا پیدا می‌کند و ملکه‌ی اذهان می‌شود.

قطعاً بارها در کتابها و مقاله‌های مختلف، مطالبی درخصوص توسعه‌ی فرهنگی و موانع توسعه فرهنگی دیده و خوانده‌اید ولی کمتر کسی تاکنون به ضرورت ایجاد فرهنگ توسعه پرداخته است. بار دیگر یادآور می‌شویم که در کشور ما ضرورت ایجاد فرهنگ توسعه مهم‌تر و اساسی‌تر از ضرورت توسعه‌ی فرهنگی است. چرا که فرهنگ توسعه اصل و توسعه‌ی فرهنگی فرع بر فرهنگ توسعه می‌باشد. بنابراین برای ایجاد فرهنگ توسعه راههایی پیشنهاد می‌شود

که عبارتند از:

- ۱- نگرش علمی داشتن به مسائل اجتماعی و انسانی و ...
 - ۲- باور و اعتقاد داشتن به عدالت اجتماعی و ضرورت برقراری آن از طریق تأمین رفاه اجتماعی. منظور از رفاه اجتماعی، مجموعه اقدامات و تدابیری است که برای کاستن، تخفیف یا از بین بردن مسائل و مشکلات ناشی از رشد اقتصادی و رشدهای ناهماهنگ در زمینه‌های تربیتی و بهداشتی، درمانی و ... پاره‌ای امور و پدیده‌های اجتماعی مانند: اقتصاد، عدم توسعه‌ی متعادل اقتصادی، اجتماعی در سطح جامعه به کار می‌رود. (۶) [آراسته خو، ۱۳۷۶، ص ۵]
 - ۳- داشتن نوعی باور جمعی به نظم‌پذیری (پذیرش نظم اجتماعی)
 - ۴- لزوم برقراری آزادی‌های سیاسی که مستلزم توزیع قدرت در میان گروه‌های گوناگون جامعه است
 - ۵- توجه معقول و منطقی به مسائل مادی
 - ۶- اعتقاد به اصلاح و تغییر به جای رکود، خمودگی، نابودی و تخریب
 - ۷- و ...
- برای رسیدن به خواسته‌های عنوان شده در بالا، سه نوع تدبیر می‌بایست اندیشید که فرهنگ توسعه نهادینه و درونی شود و بتواند نسل‌های آتی را بیمه کند تا شاید به مرحله‌ی توسعه‌ی فرهنگی برسیم. این تدابیر را باید ابتدا در

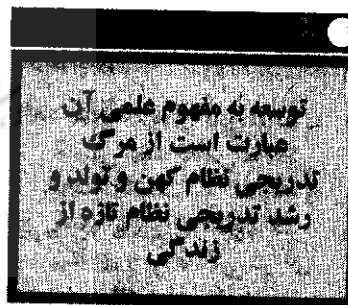


شاخص‌های اشتغال و بیکاری، وضعیت مسکن، شاخص مصرف قشرهای مختلف و جمعیت تحت پوشش، بهتر می‌توان به شرح و بسط توسعه و فرهنگ توسعه دست یافت.

تا زمانی که در کشور ما فقدان دارایی، سرپناهیهای ساخته شده از گل و چوب و خشت، وسایل آشپزی ساده، توالت‌های غیربهداشتی، زمین اجاره‌ای، گرفتن وام با بهره‌های بالا، بهره‌وری پایین و یک زندگی به خور و نمیر حاکم است، مشخص است که هنوز فرهنگ توسعه را نیاموخته‌ایم.

تا زمانی که سوء تغذیه، بیماری اعضای خانواده و بیماریهای انگلی و میکروبی و ... شیوع دارد و مادامی که خانواده‌ها با دنیای خارج خود بیگانه‌اند و از حوادث و وقایع پیرامون به دلیل بیسوادی و کم‌سوادی و عدم برخورداری از وسایل ارتباط جمعی و محدود بودن مسافرت‌ها و ... مواجهند و تا زمانی که از قانون شناخت ندارند و از آگاهی حقوقی بی‌بهره‌اند و در دسترسی به کمک‌های دولتی و ...

بی‌قدرت هستند در نتیجه‌ی عوامل و موانع مذکور، در برابر حوادث و پیشامدهای احتمالی نظیر خشکسالی، بیماری، ناچیز بودن ذخیره‌های غذایی، نیازهای اجتماعی و ناچیزبودن سرمایه‌های نقدی خانوار و ... آسیب‌پذیر می‌شوند.



با توجه به اینکه توسعه، یک مفهوم و جریان چندبعدی است که ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود و فرهنگ نیز کلیتی از این ابعاد را در بر دارد از این رو توسعه‌ی فرهنگی به معنای نفی سنت‌ها و بریدن از سنت‌ها و گذشته نیست چرا که فاصله گرفتن از سنت‌ها و تجارب گذشته با مرگ و نابودی در آینده برابر است. مقصود و مراد از توسعه‌ی فرهنگی، بازسازی و بازاندیشی تجارب و سنن گذشته براساس نیازها و

توسعه، سازندگان و دارندگان خاص خودش را داراست که دولت تنها به بخشی از آن نظارت دارد. نزدیک شدن به فرهنگ توسعه و بهبود آن، از طریق بخشنامه امکانتپذیر نیست و گذراندن مصوبه‌ی قانونی برای فرهنگ توسعه، نامناسب‌ترین و ناکارآمدترین شکل برخورد می‌باشد بلکه تدبیرهای مدیریتی (مردم سالارانه و مردم‌گرایانه) لازم است تا بتوان با ایجاد ساز و کارهای مناسب در ایجاد و بهبود و اصلاح آن کوشید.

مأخذ:

۱- روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات عطار.

۱۳۷۲

۲- تامپسون، جان، مفهوم فرهنگ، مترجم علی قاسم‌نژاد، مجموعه مقالات فرهنگ و

جامعه جلد اول، چاپ اول نشر شریف ۱۳۷۷

۳- همان منبع

۴- ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه، چاپ اول، نشر کلمه، سال ۱۳۷۷

۵- همان منبع

۶- آراسته‌خو، محمد تأمین و رفاه اجتماعی، چاپ سوم، انتشارات پیام نور، سال ۱۳۷۶

۷- ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه، چاپ اول، نشر کلمه سال ۱۳۷۷

۸- آراسته‌خو، محمد تأمین و رفاه اجتماعی، چاپ سوم، انتشارات پیام نور، سال ۱۳۷۶

نظام آموزش و پرورش پیاده کرد چرا که آموزش در درجه‌ی اول، مهارتها و نگرش‌های لازم را برای رشد و توسعه موجب می‌شود و در درجه‌ی دوم، قابلیت‌های لازم را برای سازگاری و انعطاف در برابر رویکردهای جدید و درگیر شدن با تغییرات تکنولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌سازد. (۷) [ازکیا، ۱۳۷۷، ص ۶۲] همچنین کلید مبارزه با هر گونه نابرابری نیز به دست آموزش است.

دومین تدبیر، تلاش برای زدودن فقر و رفع نیازهای اساسی مردم (خوراکه پوشاک و مسکن).

و سومین تدبیر اندیشیده شده در این زمینه، ایجاد تحول فرهنگی مناسب به منظور تحقق توسعه‌ی اقتصادی است که خود منوط بر الگوسازی‌های فرهنگی و سازنده می‌باشد توسعه‌ی اقتصادی شامل همه‌ی امور اقتصادی در رابطه با همه‌ی پدیده‌های اجتماعی و مرتبط با کلیه اعضا و گروه‌های اجتماعی می‌شود. (۸) [آراسته‌خو، ۱۳۷۶، ص ۲۸]

در نهایت اینکه، فرهنگ توسعه در کنار فرهنگ عمومی و رسمی در همه‌ی حوزه‌های اجتماعی، خانواده، حکومت، اقتصاد، آموزش و پرورش و ... حضور دارد. از این رو نمی‌توان آن را به حوزه‌ی مشخصی محدود کرد. فرهنگ توسعه را نمی‌توان با زور و جبر فیزیکی به وجود آورد. فرهنگ

شرکت تولیدی و مهندسی



حرارت گستر

دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹

* دارای تاییدیه نقشه ساخت دیگ بخار و آب داغ از TÜV آتریش *

تولید کننده :

دیگ بخار	فیلتر شنی
دیگ آب داغ و آب گرم	دی الکالایزر
دی اریاتور	فلش تانک بخار
سختی گیر	جداکننده آب از بخار
منبع کویل دار	جما کننده هوا از آب
مبدل حرارتی	منبع گنداس

نشانی: تهران، خیابان طالقانی شرقی، شماره ۵۴۲، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۷۱
تلفن: ۷۶۰۵۸۹۳ - ۷۶۰۵۸۸۹ فاکس: ۷۶۰۴۵۳۱



شرکت خدمات مسافرتی

اطلس (عضو IATA)

شماره ثبت: ۷۵۴۰ تاریخ تاسیس: ۱۳۳۹/۷/۲۶

بیش از چهارده سال سابقه خدمت



محل دفتر: تهران، میدان ولیعصر، پلاک ۱۱۵۵-۱۱۶۱

تلفن: ۷۶۰۲۳۱۱ - ۷۶۰۲۳۱۲